

## سوالات خط به خط درس سوم

- ۱) «چیستی» و «چرایی» چه جایگاهی در دوران زندگی انسان دارد؟ ص ۱۵
- ۲) اصل علیت چه جایگاهی در میان مسائل فلسفی دارد؟ درباره آن توضیح دهید. ص ۱۶
- ۳) منظور از «علت» و «معلول» چیست؟ ص ۱۶
- ۴) رابطه علیت چگونه رابطه‌های است؟ ص ۱۶
- ۵) کلمه «چرا» چه ارتباطی با رابطه علیت دارد؟ ص ۱۶
- ۶) منظور از «وجودی» بودن رابطه علیت چیست؟ توضیح دهید. ص ۱۶
- ۷) دکارت، اصل علیت را چگونه اصلی می‌داند؟ ص ۱۸
- ۸) تجربه‌گرایان (امپریست‌ها) رابطه علیت را چگونه تبیین می‌کنند؟ با مثال توضیح دهید. ص ۱۸
- ۹) در میان فیلسوفان تجربه‌گرا، نظر دیوید هیوم درباره رابطه علیت را بیان نمایید. ص ۱۸ (نهایی: دی ۹۸)
- ۱۰) نظر دیوید هیوم درباره علیت، چه تأثیری در دیدگاه کانت داشت؟ ص ۱۸
- ۱۱) چرا کانت در صدد یافتن راهی برآمد تا بتواند جایگاه اصل علیت را حفظ کند؟ ص ۱۸
- ۱۲) دیدگاه کانت درباره اصل علیت را توضیح دهید. ص ۱۹
- ۱۳) اصل علیت در دیدگاه فلاسفه مسلمان چه جایگاهی دارد؟ درباره آن توضیح دهید. ص ۱۹ (نهایی: دی ۹۸)
- ۱۴) دیدگاه ابن سینا درباره اصل علیت و ارتباط آن با حس و تجربه را توضیح دهید. ص ۱۹
- ۱۵) در دیدگاه فلاسفه مسلمان، حس و تجربه چه نقشی در فهم علیت دارد؟ ص ۱۹
- ۱۶) منظور از «اصل سنخیت علت و معلول» چیست؟ مثال بزنید. ص ۲۰
- ۱۷) طبق دیدگاه فیلسوفان، اصل سنخیت چگونه اصلی است؟ ص ۲۰
- ۱۸) یکی از نتایج پذیرش اصل سنخیت چیست؟ ص ۲۰
- ۱۹) برای اینکه بدانیم هر علتی چه معلول خاصی دارد، چه باید کنیم؟ ص ۲۰
- ۲۰) اصل سنخیت چه جایگاهی در تبیین نظم جهان و تحقیقات علمی دانشمندان دارد؟ ص ۲۰
- ۲۱) با توجه به نظر ابن سینا، درباره اصل وجوب علی و معلولی (اصل ضرورت) توضیح دهید. ص ۲۱
- ۲۲) حالت یک معلول ذاتاً ممکن الوجود را به چه چیزی می‌توان تشبیه نمود؟ توضیح دهید. ص ۲۱

گروه آموزشی عصر

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)

## جهان علی و معلولی

۱ ( انسان از همان اوایل کودکی که زبان می‌گشاید، از «چیستی» و «چرایی» اشیاء پرسش می‌کند. برخی از کودکان که روحیه پرسشگری بیشتری دارند، بعد از شنیدن پاسخ هر سؤال «چرا»ی بعدی را مطرح می‌کنند؛ به طوری که گاه پدر و مادر نمی‌توانند پاسخی قانع‌کننده و مناسب سن آنها بیابند و بنابراین، می‌کوشند حواس این کودکان را به موضوع دیگری جلد کنند. این چراها همراه با بزرگ شدن کودک ادامه می‌یابد و در طول حیات او به شکل جدی‌تری مطرح می‌شود. ) ۱



تفکر

آیا ساختمان ذهن کودک به گونه‌ای است که او «چرا» می‌گوید یا ساختار جهان چنان است که او را به «چرا» گفتن می‌کشاند؟ آیا پرسش‌های کودک صرفاً تقلیدی از بزرگ‌ترهاست یا واقعاً متوجه چیزی می‌شود که انگیزه سؤال کردن را در او زنده می‌کند؟

اصولاً ساختمان ذهن کودک، علت یا سبب است در جنبش اعظم تفکر همان علت یا سبب است. ما این پرسش‌ها صرفاً تقلیدی از بزرگ‌ترها نیستیم. بزرگ‌ترها تنها می‌توانند پرسشگری کودک را تقویت کنند نه اینکه آن را بوجود آورند.

رابطه علت

(یکی از کهن‌ترین مسائل فلسفی، مسئله علت و معلول است. شاید نخستین مسئله‌ای که فکر بشر را به خود متوجه ساخته و او را به تفکر و اندیشه وادار کرده است، مسئله علت و معلول باشد. همان‌طور که اندیشه یک فرد از همان کودکی با این مسئله گره می‌خورد، انسان نیز از همان ابتدای ظهور خود بر روی این کره خاکی به دنبال علت یابی بوده و برای یافتن علل پدیده‌ها تلاش کرده است.)

مقصود از «علت» و «معلول» و رابطه «علت» چیست؟

علت چیزی است که وجود معلول متوقف بر آن است و تا آن نباشد، معلول هم پدید نمی‌آید؛ یعنی، در وجود خود بدان نیازمند است. معلول نیز چیزی است که وجودش را از چیزی دیگر - که همان علت است - می‌گیرد؛ یعنی در وجود خود نیازمند دیگری است. پس، رابطه علت و معلول وجودی است که در آن یک طرف (علت) به طرف دیگر (معلول) وجود می‌دهد. به عبارت دیگر، تا علت نباشد معلول موجود نخواهد شد. کلمه «چرا» بازتابی از همین رابطه است. «چرا» یعنی «به چه علت»، «علت این حادثه چیست».

توجه داشته باشیم که رابطه علت و معلول وجودی است (یعنی یکی وجودش وابسته به وجود دیگری است؛ یعنی مانند رابطه دوستی نیست که در آن ابتدا وجود دو فرد فرض می‌شود و سپس میان آنها دوستی برقرار می‌گردد).

دلیل	دلیل
↓	↓
نتیجه	نتیجه

سوال «چرا» می‌کوشد از طریق رابطه‌های علی میان پدیده‌ها

### دیدگاه فیلسوفان اروپایی

(از میان فیلسوفان اروپایی، دکارت معتقد بود که اصل علیت بدون دخالت تجربه به دست می‌آید و جزء مفاهیم اولیه و بدیهی است که انسان از آن درک فطری دارد.)<sup>۷</sup>

(اما تجربه‌گرایان (امپریست‌ها)<sup>۸</sup> چون هر چیزی را براساس حس و تجربه تحلیل می‌کنند، معتقدند که انسان از طریق حس به توالی پدیده‌ها پی می‌برد و رابطه علیت را بنا می‌نهد. آنان می‌گویند که مثلاً چون زمین همواره با آمن خورشید، روشن و با ناپدید شدن آن، تاریک شده است، انسان متوجه رابطه‌ای میان این دو پدیده شده و دانسته که تا خورشید نیاید، زمین هم روشن نمی‌شود و اسم این رابطه را «علیت» گذاشته است.)<sup>۸</sup>

البته، در میان فیلسوفان تجربه‌گرا، دیوید هیوم فیلسوف قرن هجدهم انگلستان نظر خاصی دارد. او که اساساً تجربه‌گراست و امکان معرفت از طریق استدلال عقلی و بدون تجربه را رد می‌کند و می‌گوید درک علیت از این طریق هم ممکن نیست؛ چون علیت مفهومی فراتر از حس است. حس فقط می‌تواند اجسام و رنگ‌ها و شکل‌ها و اموری از این قبیل را به ما نشان دهد. مثلاً چشم، می‌بیند که با آمدن خورشید به آسمان زمین روشن می‌شود اما اینکه خورشید «علت» روشنی زمین است چنین چیزی با حس قابل رؤیت نیست. او می‌گوید، بر اثر تکرار مشاهده خورشید و روشن شدن، در ذهن ما چنین «تداعی» می‌شود که خورشید «علت» روشن شدن زمین است و این تداعی چیزی جز یک امر روانی ناشی از توالی پدیده‌ها نیست. از این طریق است که ما عادت کرده‌ایم چیزی را علت چیزی دیگر بنامیم.)<sup>۹</sup>

(کانت، فیلسوف آلمانی قرن هجدهم، وقتی این نظر هیوم را مطالعه کرد، سخت تحت تأثیر قرار گرفت و در صدد برآمد که راهی بیابد تا بتواند جایگاه اصل علیت را حفظ کند.)<sup>۱۰</sup> او چون می‌دانست که دانش بشر متکی به این اصل است و دانشمندان علوم طبیعی با پذیرش ضمنی این اصل، در جست‌وجوی علل



یکی از کتاب‌های که در آن مبادی نبود.



اسکاتلندی قرن هجدهم درباره علیت نظر می‌کرد. رساله درباره قیق درباره مبادی شنود درباره دین پ‌های اوست.

www.my-dars.ir

۱. تاریخ فلسفه کاپلستون، ج ۴، ص ۱۰۷.  
 ۲. در بخش معرفت‌شناسی کتاب فلسفه سال یازدهم با تجربه‌گرایان آشنا شدیم.  
 ۳. سرگذشت فلسفه، برایان مگی، صفحه ۱۱۲، تاریخ فلسفه کاپلستون، ج ۵، ص ۲۹۵، بحث در مابعدالطبیعه، زان

حوادث برمی آیند (بعد از تأملات فراوان به این نتیجه رسید که مفهوم علیت و رابطه علت و معلول جزء مفاهیم پایه‌ای ذهن است و خودش در ذهن بوده و از جایی کسب نشده است؛ یعنی ساختار ذهن بشر به گونه‌ای است که برخی از مفاهیم، از جمله مفهوم علت و معلول، را نزد خود دارد. به عبارت دیگر، دیدن اشیاء به صورت علت و معلول، امری ذهنی (سوبژکتیو) است نه عینی (ابژکتیو).<sup>۱۳</sup>

### دیدگاه فلاسفه مسلمان

۱۳) فلاسفه مسلمان می‌گویند، اصل علیت یک قاعده عقلی است و از تجربه به دست نمی‌آید؛ زیرا هر داده تجربی خود مبتنی بر این قاعده است. آنان می‌گویند: همین که ذهن انسان شکل گرفت و متوجه اصل امتناع اجتماع نقیضین شد، درمی‌یابد که پدیده‌ها خود به خود وجود نمی‌آیند؛ زیرا «اینکه چیزی خودش به خودش وجود بدهد، به معنای آن است که چیزی که نیست، باشد و این، همان اجتماع نقیضین است که محال است».<sup>۱۴</sup>

۱۴) ابن سینا که حدود شش قرن قبل از هیوم زندگی می‌کرده است، به گونه‌ای از علیت سخن گفته که گویا پاسخی برای هیوم آماده نموده است. وی می‌گوید: آری، درک این رابطه و پی بردن به «علیت» از طریق تجربه امکان‌پذیر نیست؛ زیرا ما از طریق حس و تجربه، فقط به دنبال هم آمدن یا همراه هم آمدن برخی پدیده‌ها را می‌یابیم اما به دنبال هم آمدن دو حادثه به معنای «علیت» نیست. لذا طبیعی است که کسی که صرفاً تجربه‌گراست، نمی‌تواند تبیین قانع‌کننده‌ای از علیت ارائه کند.<sup>۱۵</sup>

البته (بعد از درک علیت، برای اینکه علت حوادث طبیعی را بدانیم، باید از حس و تجربه خود استفاده کنیم. کشف علل امور طبیعی از طریق حس و تجربه صورت می‌گیرد. کودک وقتی صدایی می‌شنود، رویش را به سمت صدا برمی‌گرداند تا عامل آن را شناسایی کند)<sup>۱۵</sup>

### مقایسه

سه دیدگاه ذکر شده درباره اصل علیت را با هم مقایسه کنید و نظر خود را توضیح دهید.

مقاله گریبان: مفهوم علیت، تجربی نیست و از ابتدا همراه انسان بوده است.

تجربه گریبان: مفهوم علیت، تجربی است و انسان از مشاهده پدیده‌ها و رابطه‌ها با پدیده‌ها آن را می‌برد.

فلاسفه مسلمان: مفهوم علیت، مفروض عقلی است و انسان با درک اصل تناقض بین آن می‌برد.

۱) الهیات شفا، ابن سینا ص ۳۰، فارابی، ابن سینا و دیگر فیلسوفان مسلمان بیان می‌کنند که اصل علیت - یعنی هر حادثه‌ای نیازمند علت است - از شاخه‌های اصل «امتناع اجتماع و ارتفاع دو نقیض» است به این نحو که اصل «امتناع ترجیح بلا مرجح» از اصل «امتناع اجتماع و ارتفاع نقیضین» به دست می‌آید و اصل علیت از اصل امتناع ترجیح بلا مرجح حادث آن چیزی است که وجودش از خودش نیست و وجودش نو و حادث است. حال اگر علتی به او وجود نداده باشد، به معنای این است که علتی به خودی خود وجود نداشته باشد و این، امری محال است.

سنخیت علت و معلول

۱۶) انسان علاوه بر اینکه درک می کند که هر حادثه‌ای علت می خواهد، درک می کند که هر معلولی از هر علتی پدید نمی آید بلکه هر معلولی از علت خاصی صادر می شود و پدید می آید. فیلسوفان این اصل را «سنخیت میان علت و معلول» می نامند و می گویند همه انسان ها، طبق همین اصل رفتار می کنند؛ مثلاً برای باسواد شدن درس می خوانند، برای سلامتی ورزش می کنند و غذای سالم می خورند و برای استحکام ساختمان از آهن یا بتن استفاده می کنند. ۱۲



علامه طباطبائی و استاد مطهری اصل سنخیت را همچون خود اصل علت یک اصل عقلی می دانند. آنان بحث دقیقی در این باره در کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم کرده اند که می تواند تکمیل کننده بحث کتاب باشد.

۱۷) فیلسوفان - به جز فیلسوفان تجربه گرا - می گویند که این اصل نیز مانند خود اصل «علتیت» یک اصل عقلی است. یکی از نتایج اصل سنخیت آن است که انسان از هر چیزی انتظار آثار متناسب با خودش را دارد؛ به همین سبب، می کوشد ویژگی های هر شیء را بشناسد و به تفاوت های آن با اشیاء دیگر پی ببرد تا بهتر بتواند آثار ویژه آن را شناسایی کند. البته برای اینکه بدانیم هر علتی چه معلول خاصی دارد، باید از تجربه کمک بگیریم و از طرق مختلف تجربی آثار معلول های هر علتی را شناسایی کنیم. آنان می گویند تا قبول اصل سنخیت است که می توان برای نظم دقیق جهان پشتوانه عقلی قائل شد و دانشمندان با تکیه بر همین اصل، تحقیقات علمی خود را پیگیری می کنند. آنان وقتی با پدیده ای مواجه می شوند و می خواهند علت آن را بیابند، به سراغ عواملی می روند که تناسب بیشتری با آن پدیده دارد و علت آن پدیده را در میان آن عوامل جست و جو می کنند تا اینکه به علت ویژه آن دست یابند. ۲۰

بررسی

۱) آیا می توانید در میان رفتارهای آدمیان موردی را مثال بزنید که نشان دهد اصل سنخیت علت و معلول مورد پذیرش آنها نیست؟

مثلاً سوال شد: چرا انتظار داریم با سرعت بیشتر به مقصود برسیم. خوردن غذا برای سلامتی است.

۲) کسانی که این اصل را یک اصل تجربی می دانند، می گویند: «بنابر آنچه تاکنون تجربه کرده ایم، علت های خاص، معلول های خاص خود را دارند و نمی توانیم این اصل را به علت هایی که تجربه نکرده ایم، تعمیم

دهیم. «نظر شما چیست؟»  
 شهر تجریش، گران با پیاده‌ها (جعبه‌های) بر روی زمین می‌شود باز هم بر اساس اصل  
 سنجیده با آن بر فزونی کند. تنهایی شناخت آثار زنده آن بریده است.

**➤ وجوب علی و معلولی**

در درس قبل با مفاهیم امکان، وجوب و امتناع آشنا شدید و آموختید که اشیاء در ذات و ماهیت خود، ممکن الوجود بوده‌اند و اکنون که موجودند، وجود برای آنها ضروری شده است و ضرورت وجود پیدا کرده‌اند.

اکنون که درباره علت و معلول سخن می‌گوییم، جا دارد این سخن این سینارا بررسی کنیم که «آنچه به معلول ضرورت وجود می‌دهد، علت است». معلول با قطع نظر از علت، «امکان ذاتی» دارد؛ یعنی ذات و ماهیت آن نسبت به وجود و عدم مساوی است. با آمدن علت، وجود معلول ضرورت می‌یابد و موجود می‌شود. پس، علت به معلول خود ضرورت وجود می‌بخشد و معلول را موجود می‌کند. به عبارت دیگر، معلول که در ذات خود ممکن الوجود است و فقط امکان موجود شدن را دارد، توسط علت، واجب الوجود می‌شود و لباس هستی می‌پوشد. چنین واجب الوجودی را «واجب الوجود بالغیر» می‌نامند. <sup>۲۱</sup>

**دو کفه ترازو:** (حالت یک معلول را که ذاتاً ممکن الوجود است، می‌توان به ترازویی تشبیه کرد که دو کفه آن به حالت تعادل در برابر یکدیگر ایستاده‌اند و هیچ کفه‌ای بر کفه دیگر فزونی ندارد. شیء ممکن الوجود نسبت به وجود و عدم چنین حالتی دارد. در اینجا عاملی بیرونی لازم است که یکی از کفه‌های ترازو را بر دیگری فزونی بخشد و ترازو را از تعادل خارج نماید. عقلاً محال است که بدون وجود هیچ عاملی، یک کفه بر کفه دیگر سنگینی کند. این عامل بیرونی در مورد شیء ممکن الوجود، همان علت است.) <sup>۲۲</sup>

۱. ملاصدرا فیلسوف بزرگ اسلامی قرن دهم هجری، این بحث را ارتقا داد و وارد مرحله جدیدی کرد. برای کتب  
 اسلامی، ص ۱۸۱ تا ۱۸۲، چاپ ۱۳۸۱ هجری قمری، ص ۲۱۸ تا ۲۴۱ مراجعه کنید.



به کار بندیم

۱۱ مواردی که در زیر می آید، از نظر فیلسوفان، از نتایج اصل «علتیت» و «سنخیت علت و معلول» است. آنان می گویند، چون هر انسانی این دو اصل را پذیرفته است، این موارد را هم به طور ضمنی قبول دارد. نظر شما در این باره چیست؟ نظر خود را روبه روی هر مورد بنویسید.

نتایج اصل علتیت	نقد و نظر
نبود اتفاق در عالم	در درس ۴ توضیح داده شد
وجود نظم و پیوستگی	به خاطر اصل سنخیت است
امکان پیش بینی رخدادها	به خاطر پذیرش سنخیت است
امکان پیشگیری از برخی حادثه ها	// // //
امکان پژوهش و تحقیق	// // //
تنظیم امور زندگی	// // //
به وجود آمدن شاخه های مختلف دانش	// // //

۱۲ دیدگاه های زیر، نظر کدام یک از فلاسفه است؟

- علتیت حاصل توالی پدیده هاست. ← تجربه گرایان
- علتیت جزء ساختار ذهن انسان هاست. ← کانت
- چون انسان از جهت ذاتی ممکن است، نیاز به علت دارد. ← ابن سینا و سروان او
- چون انسان از جهت وجودی فقیر است، نیاز به علت دارد. ← ملاصدرا و سروان او
- چون انسان وجودی وابسته دارد، نیاز به علت دارد. ← ملاصدرا و سروان او
- اصل علتیت یک اصل تجربی است. ← تجربه گرایان
- اصل علتیت یک اصل کاملاً عقلی است. ← فیلسوفان مسلمان و عقل گرایان

۱۳ شعر زیر کدام اصل را تأیید می کند؟ شرح دهید. اصل سنخیت علت و معلول

چو بد کردی مشو غافل زآفات که واجب شد طبیعت را مکافات

۱. در زندگی روزانه، به علت علم محدود ما حوادثی رخ می دهد که ما آنها را اتفاق می نامیم: مثلاً شخصی برای زیارت امام رضا (ع) به مشهد مقدس سفر می کند و بدون اینکه از قبل بداند، دوستش را در آنجا ملاقات می کند و این اتفاق را «تصادف» می نامد. اما فیلسوفان می گویند، این اتفاق را هم می توان به طور ضمنی قبول کرد.